

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۱۶.۰۶.۱۷

کودتای هفت ثور یا ابر سیاه

نه تنها تاج خاور
که تاج حزب خود نیز باختی
سرافکنده شمشاد و
اسبین غر ساختی
نماندی آن فروغ در کشور خود
قمار بردگی را
مفت باختی
وطن است خنجر خونین ولیکین
بدستور روس جوهرش محو کردی
تا به آخر حزب انبار شود
جوبیشتر
توای نامرد نمی شرمی زاین حرف
(شوم بالا به چوب دار ، اما)
که سجده بر پای شورای نظار کردی
کدام اندیشه و باور از تو
که آنرا تو
به یک دو باختی
تو گر خاک به زرو زور نفروختی
چرا بادشمن خود ساختی ؟
تو گرسرباز خلق بودی و هستی

به آن سنگر چرا بارها ریدی
شده بوی پاک حرف وزبانت
بود بهتر که تا بندی دهانت
سگ پلید کجا پا ک گردد
وگر بامشک ختن اورا بشویند
تو باحزبت چنان گشتید منفور
که ملت بر تو میکند
لعنت
برتو از دور

یادداشت:

احساسی را که در قالب شعر خدمت تان تقدیم گشت، وقتی رنگ قلم را بر روی صفحه کاغذ جاری ساخت که در سایت "آریائی" در بطن یک مقاله پارچه شعری از قلم بیعارترین فرد تاریخ معاصر افغانستان "اکادمیسین روسی دستگیر پنجشیری" زیر عنوان "فروغ خاور" به چشمم خورد. مطالعه آن مطلب و شعر از این شیاد بی همت که خود در کتابش بارها بر بی همتی خود گواهی داده و نه تنها از وطن فروشی خود نمی شرمد که چند "تنگه" طلبگار هم است، مرا وادار ساخت تا مطلب بالا را تقدیم دارم.

این درست است که تمام رهبران حزب وطن فروش خلق و پرچم وطن فروش و جاسوس بودند، مگر دستگیر پنجشیری به علاوه جاسوسی و وطن فروشی، بی غیرتی و دیده درائی را نیز در حد اعلی داشته، نه تنها از مردم و تاریخ خونین وطن ما نمی شرمد، که حتا از خود هم شرم ندارد

هستی